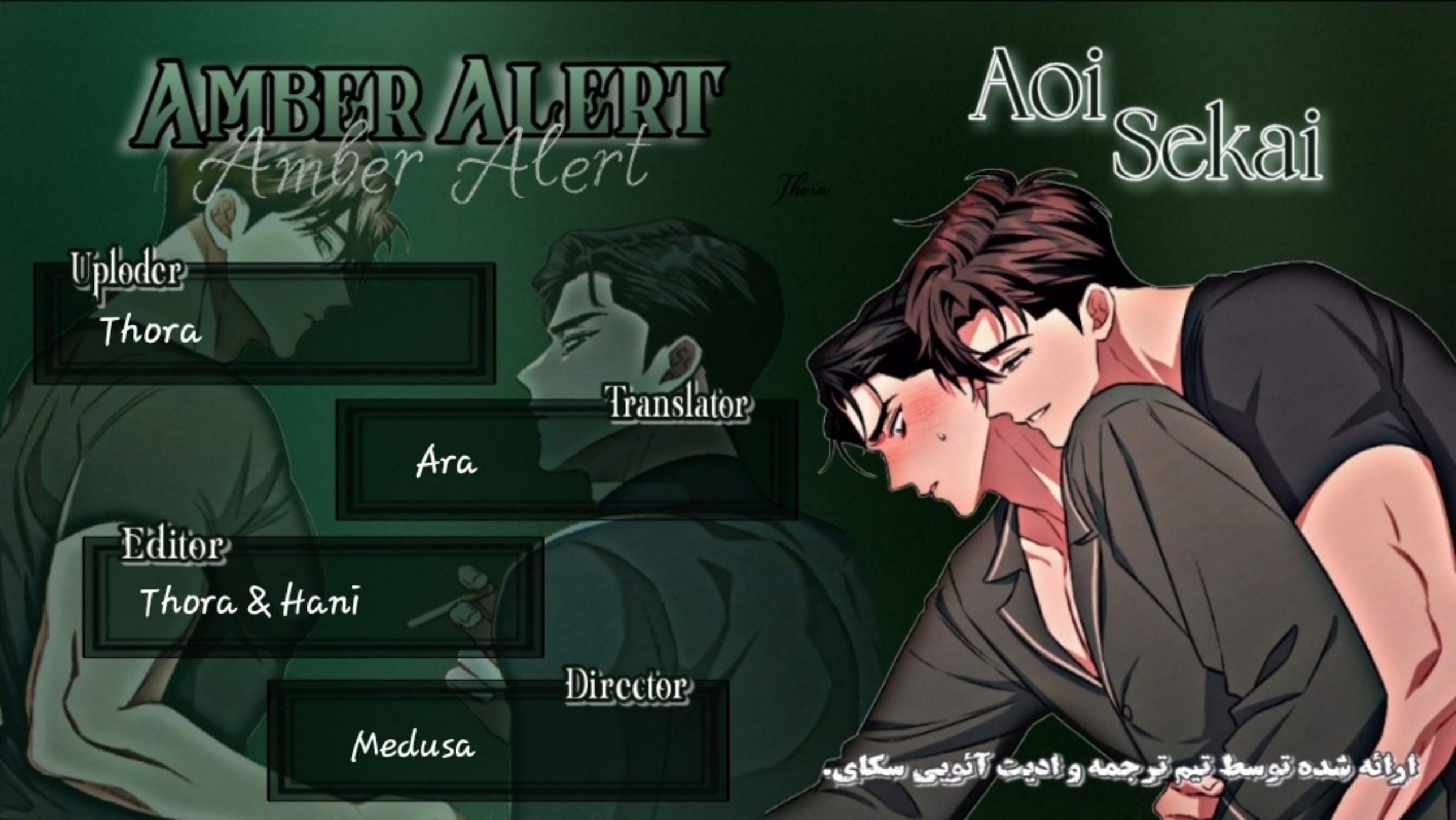

AMBER ALERT
Amber Alert
Aoi Sekai
Thora
Uploder
Thora
Translator
Ara
Editor
Thora & Hani
Director
Medusa
ارائه شده توسط تیم ترجمه و ادیت آئویی سکای.

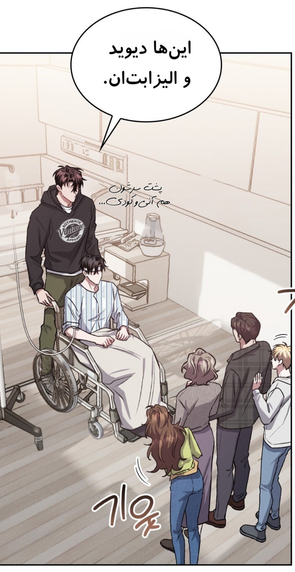
هشدار امبر
AMBER Alert

مانهوا: Gongtae








این‌ها دیوید
و الیزابت‌ان.
پشت سر مردان
هم آلن و لوک...
기웃
기웃


چون یهویی
برنگشتم خونه، مجبور
شدم دلیلش رو توضیح
بدم...


탁
탁


خب، حالا که
دیدیم تنسی حالش خوبه
بهتره برگردیم.
لطفا خوب
استراحت کن.
رایکر، مراقب
تنسی باش.

از دکتر
می‌پرسم چی نیاز داری
و برات می‌فرستم.





ساکتن اما
نمی‌شه تمرکز کرد.



همه همیشه
همینطورن.

آنی و کودی
چون این روزها تو
سن بلوغن، یکم آروم‌تر
شدن.

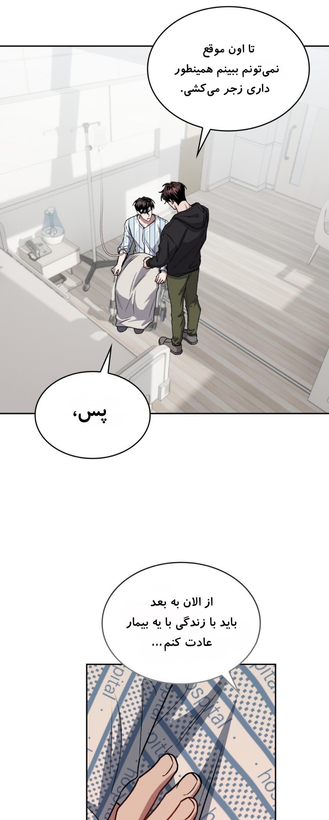



حالا دیگه دراز
بکش و استراحت کن.


باشه، پرستار
رو خبر کن.


دو تا عمل
دیگه هم دارم، نمی‌تونم
تا اون موقع مزاحمت
شم.




تا اون موقع
نمی‌تونم ببینم همینطور
داری زجر می‌کشی.
پس،


از الان به بعد
باید با زندگی با یه بیمار
عادت کنم...


آه.


حتی اگه نتونم چهره‌اش رو تشخیص بدم، می‌تونم حالتش رو بفهمم.
این حروم‌زاده انگار ...


انگار یه‌جورهایی خوشحاله که من آسیب دیدم.
وایسا، باید یه بطری آب بیارم تا قرص‌هام رو...
Ok
من قبلا اوردم.


چقدر آماده‌ای...
Oh...
AUTHENTIC
SINCE
Vintage
1976


راستی، الیزابت یه لیست از چیزهایی که باید بخرم بهم داده.
زود برمی‌گردم.
AUTHENTIC
SINCE
Vintage
1976
APPAREL


.....
Hihi...


رو مخه.
Ef...

اما من نمی‌تونم بهش بگم که هرکاری که دلش می‌خواد انجام بده...










تنسی، من رو می‌شناسی؟
دکتر کجاست...!
نه، فقط تو رو می‌شناسم.
نمی‌دونستم خانواده‌ات کی به کیه.


.....


می‌تونه به‌خاطر
این باشه که برات مهم نیست
بشناسی‌شون؟
AUTHENTIC
SINCE
Vintage
1976
APPAREL
شاید.


پس...


می‌تونی تشخیص
بدی که دوست دارم؟

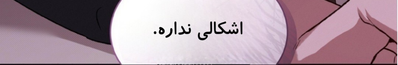

جان؟


جواب بده،
تنسی.


من تازه
الان دارم تشخیص
می‌دم، همین.
سه روزه
که باهمیم.


اون موقع‌ها
چطور بودی؟
گفتم که، با وقتی
که آمریکا بودم، زیاد
فرقی نمی‌کرد.


...تنسی.


داری به این فکر
می‌کنی که وقتی حالت بهتر شد،
دوباره ترکم کنی؟

اشکالی نداره.



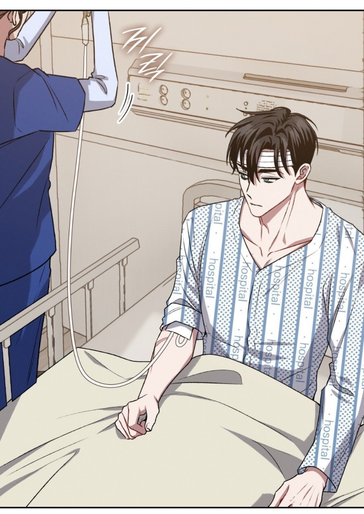
هنوز برام
غریبه‌ست.

اون آمبری که
من یادمه انقدر
حشری نبود.

همیشه گریه می‌کرد و
پاچه‌ی شلوارم رو چنگ
می‌زد و التماسم می‌کرد
که از پیشش نرم.








با پرستاری که دیروز اومد یکم فرق داره.
هیکل و رنگ موهاشون شبیه‌ان، ولی وضعیت تغذیه‌شون فرق داره.
بدنشم صافه. ورزش می‌کنه؟
شاید دوقلوهای همسان باشن.
ممکنه یکم احساس خواب‌آلودگی کنین.
اگه حالت تهوع گرفتین، بگین سرم رو تنظیم کنم~
شناختنش به‌خاطر علاقه نیست.
فقط چون زیاد می‌بینمش ناخودآگاه شناختمش.

ولی...


.....
آمبر فرق می‌کنه.


اگه اهمیت ندم، از آمبری که می‌شناختم بیشتر فاصله می‌گیرم.

یعنی دوست دارم بشناسمش؟


اگه خوابت میاد بخواب، تنسی.


عجیبه که
خوابم گرفته...
آخخ...
شاید چون
مسکن تزریق
کرده.
می‌خوای تخت رو
پایین بیارم و چراغ‌ها رو
خاموش کنم؟




...مورفینه؟


آخ

!!

تنسی!!

بهشون بگو هر مسکنی بجز مورفین بهم تزریق کن.

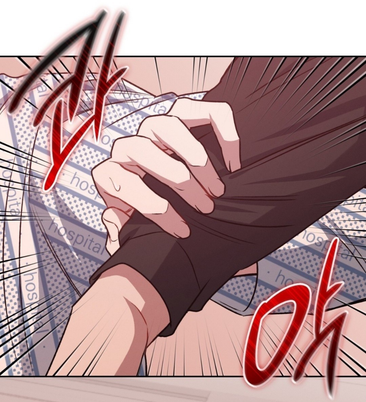
این یه مسکنه که همه ازش استفاده می‌کنن، داروی خطرناکی نیست...

من،

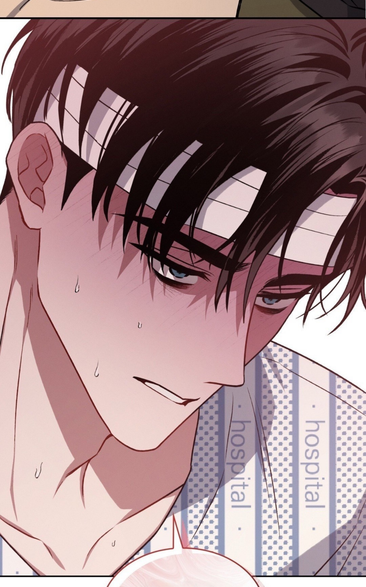
من شاید یکم متفاوت باشم...

لطفا من رو بکش.


ولی دردت
میگیره.
می‌رم دکتر رو
صدا می‌کنم تا یه مسکن
دیگه تجویز کنه.

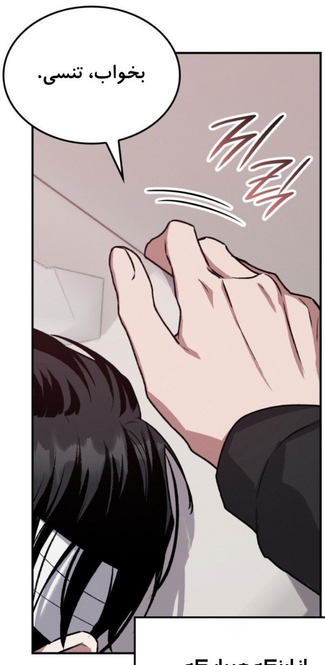

Ah
Oh




کنارم
بمون، آمبر.

پس درد
داشته باشی هم می‌تونی
بخوابی.





از اینکه هربار که
برمی‌گرده برام غریبه‌تر
می‌شه بدم میاد.

کنارت می‌مونم.



لحظه‌ای که داشت
خوابم می‌برد،



صدای غرغر
آشنایی شنیدم.



نمی‌دونم
توهمه یا نه،



بعد از شنیدن اون
سوال تکراری،



بالاخره با خیال
راحت چشم‌هام
رو بستم.

ادامه دارد...

سلام
این فایلی که هم‌اکنون خوندید،
توسط تیم بزرگ تلگرامی

Aoí Sekaí

ترجمه و ادیت شده و برای شما
و بقیه افرادی که به مانهوا
خوندن علاقه دارن آماده
شده.

تیم آئویی سکای فقط و
فقط در تلگرام فعالیت میکند.

اگه این فایل توی روبیکا، سروش،
ایتا، اینستا و بقیه پیام رسان‌های داخلی و
خارجی گذاشته شده و دارید میخونید،
بدونید بدون اجازه‌ی تیم ما گذاشته شده
و این کار دزدی محسوب میشود و به
هیچ عنوان ما راضی نیستیم.
فقط و فقط ما رو از طریق کانال تلگرامی
زیر دنبال کنید و مارو حمایت کنید:

HTTPS://T.ME/AOISEKAI